

هوشداری تلخ اما حیاتی و مماتی به همدینان مسلمان!

درین روز ها باز هنگامه ای دایر بر «وا اسلاما!» بر پاست؛ چرا که گویا کدام فیلمساز مجهول الهویهء امریکایی - یهودی قسماً با شراکت تیری جونز مشهور بالفساد و به فرمودهء شریعتمداران و ولیان فقیه اعظم اسلام عزیز!!!: «سفیه و دیوانه!» طی فیلمی بی نظم و قاعده و اس و اساس هنری و مستند؛ گویا بر پیامبر اعظم اسلام توهین نموده است!

به تمامی معنای کلمه: رمه؛ تور خورده است؛ چرا که بز و بز هایی پیشینه و پیشوا؛ حرکت و اشارهء لازم از خود متبارز فرموده اند!

خواهید پرسید: مگر حسین و جمیل و مبارک و مشعشع نیست که امتی از مقام و مرتبت پیامبر و پیشوای خویش مدافعه نماید و منجمله کاروان سفیر کشور ابر قدرت دنیای کنونی - امریکا - را در لیبی؛ به جهنم بفرستد و کارنامه های دیگری از همین سلسله به جهان کنونی و انسان کنونی نشان دهد و عرضه بدارد؟!!

اگر واقعیت در همین حدودی می بود که الآن مورد بحث و فحص و خشم و خروش است؛ شاید!

ولی واقعیت بسی بسی و باز هم و هزار ها و ده ها هزار و صد ها هزار مرتبه باز هم بزرگتر و ریشه ای تر و پر پهنا تر از اینهاست، بزرگتر و ریشه ای تر و پر پهنا تر از اینها بوده است و بزرگتر و ریشه ای تر و پر پهنا تر از اینها خواهد بود!

بنده؛ امروز نمیخواهم وارد صغرا - کبرا های فلسفی و جهانشناختی شوم. نمیخواهم اطلاعات کم یا بیش خویشان را به رخ همدینان بی خبر نگهداشته شده از همه جا و از همه چیز بکشم و حتی نمیخواهم مقاله بنویسم!

فقط و فقط و فقط میخواهم یک عرض و شاید آخرین عرض در عمر کوتاه خدا عطا کرده خویش را به همه آنانی ابراز دارم که مانند پدر و مادر من؛ مسلمان مقلد و افواهی و توهمی و تخیلی اند و از اسلام و قرآن؛ جز یک سلسله دعوا ها و روایات و حکایات و همی و خیالی چیزی نمیدانند و نمیتوانند بدانند!

من نمیگویم؛ دین سیاست هست نیست. من نمیگویم اسلام؛ که هزار و پنجصد سال پیش در دنیا ظهور کرده؛ جوابگوی مسایل و احتیاجات دنیای هزار و پنجصد مرتبه تغییر یافتهء کنونی می باشد؛ نمی باشد؟

من فقط و فقط و فقط از همدینان خود - و اگر کسانی مرا به هر دلیلی چنین نمی پندارند - از همدینان پدر و مادر خود؛ یک پرسش محترمانه و عاجزانه دارم:

چرا و چرا و چرا؛ در دنیای کنونی که امپریالیزم و صیهونیزم؛ حرف اول را میزنند؛ تقریباً هر روز؛ مسلمانان و اسلام و مقدسات و قرآن و پیامبر آنان مورد لعن و طعن و هتاک و تخطئه و تقبیح و محکومیت قرار میگیرد؟!

جواب در نظر اول؛ چند تا نیست فقط یک تاست:

مسلمانان متهم به تروریست بودن؛ متهم به ارتکاب فجایعی چون 11 سپتامبر در امریکا استند!

این جواب را به یاد داشته باشید؛ تا طرف دیگر قضیه را هم ببینیم!

در دنیای کنونی؛ نیز ادیان و عقاید فراوانی وجود دارد که از لحاظ عجیب و مضحک و مسخره بودن در قبال عصر ساینس و تکنولوژی و نورماتیف های حقوق بشری و دموکراتیک و مدنی...؛ هرگز و ابداً قابل مقایسه حتی با عامیانه ترین باور های اسلامی نیستند؛ مگر با چنین قاعدهء سیستماتیک بر هیچ یک از آن ادیان و عقاید؛ بر شخصیت ها، نماد ها، رسوم و مناسک حقیقتاً مبتذل و عصر حجری آنها کاریکاتور و فیلم و حرکات و نمایشات تیری جونزی... ساخته و پرداخته نمیشود؛ و اهالی میلیونی و میلیاردی آن همه ادیان و عقاید هم تحقیقات و قضاوت های دانشمندان و هنرمندان و مطبوعات و رسانه های بیحد و حصر عالم کنونی را صرف نظر از انگیزه ها و نیات آنها در بارهء معتقدات خود؛ اهانت به خود نمیدانند؛ یکپارچه خشم و خروش و آتش نمیشوند و تر و خشک را نمیسوزانند.

پس چرا صرف مسلمانان از این قاعده مستثنی استند و ظاهراً فقط و فقط آنها در برابر حرف و سخن و نظر هر «سفیه و دیوانه» ای ولو خیالی و توهمی؛ آتش میگیرند و خود و دنیا را آتش میزنند؟

جواب باز هم در ظاهر چند تا نیست؛ فقط یک تاست:

مسلمانان غیرت دارند؛ مسلمانان اهل شمشیر و «جهاد» استند!

معنای این سخن برای فرد مسلمان؛ هر چه باشد؛ زیبا و مبارک و متعالی... مگر در گسترهء اذهان قریب شش میلیارد بشر دیگر روی زمین؛ چیزی جز همان تروریست بودن؛ وحشی بودن و بربر بودن نیست. چرا که شمشیر شاخص ترین سلاح بشر در عصر تاریخی بربریت است و جنگ همه علیه همه؛ زنده بودن با جنگ و حاکم و توانا و مسلط بودن فقط توسط جنگ؛ مشخصات ناگزیر اعصار توحش و بربریت بوده و به همین علت؛ پیشه و حرفه و مهارت جنگی تا سرحد تقدس و برترین تقدس ارتقا پیدا نموده است!

این تقدس؛ پیش از اسلام؛ جزئی از اساسات دین یهود گردیده بود و بعد به مسیحیت انتقال یافت. اسلام به مثابهء آخرین دین از ادیان ابراهیمی نه از لحظ زمانی و نه از لحاظ عقلانی و نه از لحاظ های دیگری؛ میتوانست جنگ مقدس ادیان ماسبق ابراهیمی را نفی و طرد نماید؛ چنانکه نتوانسته بود و نمیتوانست نظام برده گی و خیلی ها از عقاید و اساطیر حتی قومی - قبیله ای عرب را نفی و

طرد نماید. من این موارد را در کتاب معنای قرآن (جلد اول) تصریح و میرهن کرده ام و به توفیق آفریدگاری در جلد دوم آنها را حتی الوسع بازهم غربال خواهم کرد.

بالخاصه که اسلام در محیط و ماحولی ظهور کرد که جنگ همه علیه همه در آن جاری و ساری بود؛ زنده بودن و به اهداف حیاتی رسیدن؛ اگر نه صدفیصد؛ حد اقل 99 در صد وابسته به جنگ بود.

علی الرغم این فضا و قوانین جاری در آن؛ آیات مکی قرآن و تعالیم 13 سال نخست بعثت حضرت محمد؛ صلح آمیز ترین آثار و اسناد تاریخی استند؛ ولی زمانیکه مسلمانان؛ تحت فشار شمشیر زنان قبایل مکه؛ ناگزیر به ترک مکه و هجرت به یثرب میگردند؛ حالت شدید اضطراری یعنی همان جنگ و همه چیز منوط به جنگ؛ پیش می آید.

مطابق کتب تاریخی معتبری که به ویژه دوران حیات و غزوات و سیره های پیامبر اسلام را بازتاب میدهند؛ از برهه هجرت به یثرب؛ حضرت محمد و پیروانش خود را ناگزیر می یابند که با شمشیر و سلاح های متمم مجهز گردند. طی ده سال کم از کم 22 یا 23 جنگ اتفاق می افتد که شخصاً پیامبر اسلام در آنها شرکت و حضور داشته اند یعنی در هرشش ماه یک جنگ.

بدینگونه استفاده از مفاهیم جنگ مقدس و معرب آن: «جهاد» بدیهی ترین چیزی است که در چنین روزگاری؛ حضرت محمد و پیروانش از یکسو؛ حکام قریش و سایر معاندان عربی از دیگر سو و نیرو های خصمی چون یهود و نصارا از طرف سوم به عمل می آورند تا برای جنگ ها و مقاتلات هرلحظه محتمل؛ نیرو ها را در حالت بسیج و آماده قربانی ها نگهدارند.

اینکه پس از قتل پیامبر اسلام؛ از واژه و شعار جنگ مقدس و جهاد فی سبیل الله؛ حتی اغراق آمیز تر و در حدود افراط های تکانهنده نیز استفاده میشود و به طریق آن «امپراتوری اسلامی»؛ تشکیل میگردد؛ موضوع بحث کنونی نیست.

موضوع بحث این است که آیا ما امروز هم تحت شرایط و محیط و ماحول؛ دهه اضطراری هجرت در مدینه قرار داریم یا دنیا دگرگون شده است؟

دو جواب میتواند وجود داشته باشد:

1- آری. دهه اضطراری هجرت در مدینه تا کنون و تا ابد ادامه دارد.

2- نه خیر؛ دنیای بشری از بیخ و بن دگرگون شده است!

معلوم است که نتیجه جواب اول؛ این میشود:

مسلمانان برای ابد در حالت جهاد و جنگ مقدس و مجهز به شمشیر باقی می مانند؛ لذا تمامی احکام و روایات دهه هجرت بیچون و چراست یعنی اینکه اسلام؛ «جهاد» و جهاد؛ اسلام است و بس!

این همان جوابی است که علما و فقهای ریزه خوار دربار های خلفای اموی تا صفوی و عثمانی داده اند و میدهند و تلاش های با ارزش روشنفکران دینی قرون اخیر برای عبور از این جواب و یافتن پاسخ متفاوت تر به پرسش مربوط؛ تا هم اکنون ره به جای مهمی نبرده است!

اما باطل بودن این جواب جبارانه 14 قرنه؛ با گذشت هر روزی بیشتر از پیش آفتابی شده می‌رود؛ منجمله به این برهان ساده؛ که در دنیای کنونی؛ شمشیر عصر بربریت و عصر دهه‌ه اضطراری هجرت اسلامی؛ آهن پاره بیکاره ای شده است که تنها به درد گذاشتن به موزیم می‌خورد. مقایسه کنید یک شمشیره ها و حتی دو شمشیره های جهادی را با راکت های کروز و طیارات جنگی پیلوتدار و بی پیلوت این زمانی!

ما میتوانیم - چنانکه توانسته ایم!- اینهمه تغییر و انقلاب و دیگر گونی را به هیچ بگیریم و باز هم اصرار کنیم که:

- آری. هیچ چیزی واقع نشده است؛ واقع نخواهد شد و واقع شده نمیتواند؛ لذا دهه‌ه اضطراری هجرت در مدینه تاکنون و تا ابد ادامه دارد. لذا دین ما، اسلام ما، قانون ما، روش و منش ما همه و همه عبارت است از همان غزوات و سریه ها و تبعات و نتایج آنها!

معنای این سخن و عقیده و باور برای فرد مسلمان؛ هرچه باشد؛ زیبا و مبارک و متعالی... در گستره اذهان قریب شش میلیارد بشر دیگر روی زمین؛ یا شش برابر مسلمانان که رویهمرفته کم از کم شش میلیون برابر مسلمانان توانایی و تجهیزات مدرن و قدرت اقتصادی و مهارت های علمی - تکنولوژیکی دارند؛ چیزی جز همان تروریست بودن؛ وحشی بودن و بربر بودن نیست.

ولی آیا این جواب به سوال عصر و زمان؛ این سخن و عقیده و باور از ذات اسلام بر می‌خورد یا از مغز و نهاد عامه مسلمانان بالا می‌آید؟

نه خیر! این ایدئولوژی حاکمان و جباران دیروزی در عالم اسلام است که امروزی ها نیز با چنگ و دندان افعی مانند به آن چسپیده اند و در می یابند که بدون همین ایدئولوژی متحجر و سنگ شده نمیتوانند به بقای مقامات و امتیازات ددمنشانه خود نایل آیند.

و بر علاوه نه فقط از امروز بلکه از قرن نهم مسیحی بدینسو؛ سودمندی بالای این ایدئولوژی؛ برای استعمارگران برتانوی و سپس برای امپریالیست های امریکایی هم کشف گردید. آنان توسط امکانات عدیده و ابزار های فوق العاده کارای آشکار و نهان خود به ترویج و توسعه بیسابقه این ایدئولوژی در بین مسلمانان پرداختند.

آری! به ترویج و توسعه بیسابقه ایدئولوژی و فرهنگ «جهاد» در بین مسلمانان؛ منتها بدو با ماهیت و سمت دهی انتی کمونیستی و ضد شوروی!

این جریان پیچ در پیچ دو قرنه طی کتاب ها و آثار فراوانی افشا و بر ملا گردیده است که در آن میان کتاب تحقیقی بسیار عمیق و دقیق رابرت درایفوس به نام «بازی شیطانی» برانده گی و گویایی ویژه دارد.

به طور اجمال استعمارگران و امپریالیست ها نه فقط توانستند احزاب و لشکر های جهادی فراوانی با ماهیت بربری و ماقبل بربری در «کمر بند سبز اسلامی» به دور شوروی ایجاد نمایند و بالاخره لشکر های اجیر انبوهی را وارد جنگ نیابتی خود علیه آن ابرقدرت زمان فرمایند؛ بلکه قریب تمامی خطه های اسلامی را با حکومت دست نشانده خود نظیر عربستان سعودی و اردن و عراق و مصر و شیخ نشین های خلیج ... زیر پوشش قرار داده به خویشتن وابسته کردند.

درین سلسله ایجاد یک باتلاق سرطانی در شبیه قاره هند و بالاخره جراحی خونین و وحشتناک آن از پیکر هندوستان یعنی ایجاد جمهوری اسلامی!! پاکستان؛ کارستان بزرگ سیستم استعمار انگلیس در 65 سال پیش بود. کارزار پادشاه سازی و تخت و تاج بخشی که به طریق جاسوس کبیر «لارنس عربستان» در حجاز و مکه و مدینه و دیگر نقاط شرق میانه پیاده میگردید؛ با ساخت و ایجاد سیستم نظامیگران پنجابی ابعاد متکثری پیدا کرد.

تا جائیکه جنگ نیابتی امپریالیزم امریکا و بلوک غرب علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مدد پاکستان در خاک افغانستان راه اندازی گردید و به قیمت بربادی و تباهی این کشور و مردمان میلیونی آن؛ توسط جهادپست های اجیر و سرسپرده دالر و پوند و کدالر... گویا به پیروزی رسانیده شد.

این جنگ نه آنروز و نه امروز و نه هیچگاهی جنگ اسلام با غیر اسلام نبود، نیست و نخواهد بود؛ بلکه در همه حالات جنگ امپریالیست های غرب سرمایه داری بود با دشمن سیاسی - نظامی، اخلاقی و روانی سیستم و نظام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی متضاد و متفاوت با نظام کاپیتالیستی غرب.

هرگاه مسلمانان و بخصوص جوانان شان بخواهند و بتوانند آثار سترگ استخباراتی چون کتاب «کمیته 300» دکتور جان کولمن را مرور و هضم نمایند؛ به نیکویی در می یابند که خصلت واقعی نظام های سرمایه داری عمده دنیای کنونی چه بوده است، چه میباشد و در آینده ها از چه ها عبارت خواهد بود.

تمامی حکومت و دولت های رسمی و علنی کشور های عمده سرمایه داری با قوانین اساسی و قانونگذاری و قضا و دادگاه ها شان چیز های عاریتی و مجازی و سمبولیک اند؛ قدرت اصلی و سیستم پلانگذاری تامین سیادت و سلطه بر دنیا و مغز های متفکر و نوابغ عمل اجرایی آنها در وجود حکومت پنهان، انتخاب نشدنی و عزل نشدنی قرار دارد که دکتور جان کولمن؛ آنرا توسط رمزیه «کمیته 300» معرفی میدارد و تمامی تار و پود عنکبوتی و شیطانی اش را مستند بر اسناد و تحقیقات شگرف بر منابع فوق سری به دست میدهد.

تاملات و توطئه های کمیته 300 نه تنها متوجه تامین منافع و مقامات میلیاردان صاحب میترپول ها، کلان بانکداران، گرداننده گان بازار های بورس، اوراق بهادار، سهام و انحصارات فراملیتی است؛ بلکه طرز تعیین و تمیل نقشه های کشور ها و حکومت و نظام های اقتصادی آنها و هکذا چگونه گی بر خورد های کوتاه مدت و بلند مدت با اهالی ادیان و مذاهب و نژاد های بشری نیز تقریباً در سراسر جهان را تعیین و تمیل میدارد.

این «کانون توطئه های جهانی» همانگونه که برای از پای در انداختن اتحاد شوروی و بلوک شرق پلانها و عملیات طویل المدت ابلیسی طرح و تطبیق نمود و موجبات اضمحلال آنرا فراهم ساخت؛ مسلماً برای مردمان پیروی دیانتی بزرگ مانند اسلام نیز پلانها و تدابیر طویل المدت دارد. اسلام - اگر نه بیش از سوسیالیزم - تقریباً برابر با آن با نظام سود و سرمایه و سفته بازی و قمار و فحشای رسمی ضدیت داشته است؛ ضدیت دارد و ضدیت خواهد داشت.

ولی خصومت کمیته 300 با اسلام اعم از عرب و عجم؛ صرفاً منحصر به تضاد ایدئولوژیک و نظریاتی و اخلاقی و عقیدتی نیست. تصادف طبیعت چنان است که بیشترین منابع زیر زمینی دنیا در ساحات کشورها و مناطق اسلامی واقع شده است. برخی از برآورد ها حجم نسبتی این منابع را حتی 75 فیصد منابع کل جهان وانمود میسازند.

با اینکه کمیته 300 و زیرمجموعه های آن چون سی آی ای، پنتاگون، موساد، آی ایم سکس ... و دولت ها و ارتش های متنوع سرمایه داری طی اقدامات هشیارانه در قرن 19 و 20 و همین اکنون قریب همه کشور های اسلامی را منجمله توسط دولت های دست نشانده فوق دیکتاتوری چون عربستان سعودی و معتدلتر ها مانند لبنان و ترکیه زیر کنترل دارند؛ ولی ماهیت و خصلت نظام جهانی کاپیتالیستی چنان است که به کنترل های حداقل و به ویژه آسیب پذیر قانع نبوده گزینه های تسخیر و تصرف عام و تام را هیچگاه از روی میز بر نمیدارند.

اینجانب حتی در همان «بازی شیطانی» با معتقدات و احساسات اسلامی که تا دو دهه قبل علی الظاهر تمام و کمال انتی کمونیستی بوده و برضد شوروی و اقمار و هواداران آن توجیه گردیده بود؛ استراتژی **زدن ریشهء اسلام** را می دیدم یعنی نه فقط یک استفاده ابزاری محض از آنرا.

تجارب عینی بیحد انبوه دو دهه پسین نشان داد که تصور و فرضیه متذکره؛ اصلاً بی اساس نبود.

طی این دو دهه؛ مسلمانان گویا مبارز که قبلاً در سیستم غول آسای رسانه های امپریالیستی با القاب مشعشع «سربازان خدا»، «مجاهدان فی سبیل الله»، «لشکریان ایمان و آزادی» و غیره توصیف و تجلیل میشدند، به مرور، خطرناکترین و علاج ناپذیر ترین **تروریست ها** گردیدند.

البته برای آنکه این تحول عظیم در اذهان عامهء بشریت واقع گردد؛ تنها کافی نبود که مثنی میرزا بنویس گردش قلم ها را متفاوت سازند و یا تصویر ها و صدا ها را وارونه بدارند.

برای جا انداختن چنین تحول حتی به سازماندهی درامه غول آسایی مانند فاجعه 11 سپتامبر 2001 ضرورت افتاد. و سپس «جنگ صلیبی مسیحی - یهودی = همان جهاد فی سبیل الله» یعنی جنگ مقدس مذهبی علیه اسلام و تروریست های اسلامی توسط جورج بوش رئیس جمهور وقت امریکا اعلام گردید و به مدد جوی هستریک ایجاد شده؛ امریکا و بلوک غرب؛ کشور های اسلامی صاحب استقلال افغانستان و سپس عراق را به اشغال نظامی خویش در آوردند.

به موازات همین رویداد ها در این و آن گوشه دنیای غرب؛ حملات بر حساسترین نقاط قرمز اسلامی آغاز گردید و ادامه یافت. کارتون هایی از پیامبر اسلام طراحی و به نشر سپرده شده متعاقباً بسیار پندانه شد، فیلم هایی چون «فتنه» تولید و به اکران آمد... تا توده های مسلمان تحریک گردند؛ و به رهبری و هدایت اشخاص و نیرو های مشکوک به جاده ها و خیابان ها بریزند و به تخریب و آتش سوزی و آشوب ها پردازند تا ماشین عظیم و جهانشمول تبلیغاتی نظام کاپیتالیستی تصاویر و مواد لازم برای نشان دادن چهرهء خشن و وحشی و بربرمنشانه از مسلمانان بیابد.

آنچه تیری جونز کشیش فلوریدیایی طی بیش از دوسال گذشته علیه قرآن و پیامبر اسلام به راه انداخته و بالاخره فیلم اخیر که گویا توسط کدام فرد مجهول الهویه بیرون از هالیوود و اصلاً بیرون

از عرصه هنر و سینما ساخته شده و فلان عدد یهودی مصارف میلیونها دالری آنرا تامین کرده اند؛ همه و همه یک استراتژی فوق العاده مرموز و خطر ناک و بلکه هلاکتبار را دنبال مینمایند که عبارت است از نهادینه کردن تصویر وحشی های علاج ناپذیر از مسلمانان به جهانیان دادن.

تا جاییکه همه افراد اندکی منعمک در غرب؛ متوجه میگردند؛ موج دامنه داری از «اسلام هراسی» هم اکنون بر سراسر این بخش جهان مسلط گردانیده شده است. بدینگونه هر مسلمان، هر عرب، هر پاکستانی، هر پشتون (و کلی تر هر افغان) در ذهنیت بسیاری از باشندگان سایر حصص کرهء زمین بالقوه یک تروریست و از آن بالاتر یک بمب انتحاری هویت یافته است.

اینکه بن لادن و دنباله روانش؛ ملا عمر و ماموران و بیعت کرده گانش؛ اخوند ها و کرنیل ها و جرنیل های پاکستانی و مدرسه های چندین هزاری شیخ های بدمست عربی و در پشت سرشان استخبارتی های کمیته 300؛ و پیشتر از اینها رهبران معظم! و قوماندانان مکرّم! جهادی افغانستانی، چیچنیانی، عربی، افریقایی و... برای فراهم آوردن این تصویر و تصور و توهم در ذهنیت عامه جهانیان از مسلمانان؛ چه خدماتی به سیستم ذهنیت سازی و روانگردانی امپریالیستی انجام داده اند و میدهند اظهر من الشمس است.

اصلاً و اساساً بدون همیاری و همراهی «خودی ها» اگر ناممکن نباشد؛ لاقلاً خیلی خیلی مشکل است که دشمن؛ کتله و جماعت و دین و هویتی بخصوص بزرگ چون اسلام را چنین دیگر دیسه و زشت و کریه بسازد.

به نظر این حقیر تمامی تحریکات و توهین هایی که به راه افتاده و می افتد هدفمندانه و مطلقاً غیر تصادفی میباشد و در خدمت ستراتیژی ها و فوق استراتژی های کمیته 300 یعنی حکومت پنهان و دائمی امپریالیست ها قرار دارد؛ همچنان تحریکات برای آشوب گری ها و تظاهرات و نمایشات پرخشم و خشونت، غیر مدنی و ضد دموکراتیک در میان توده های معمولاً از دسایس بی خبر مسلمانان؛ توسط عمال دشمن راه اندازی و به کام دشمن صحنه گردانی میگردد.

لذا هراس من بنده خدا این است که استراتژی نهایی حتی محو فیزیکی توده های مسلمان در یک هلوکاست بسیار دامنه دار تحت شرایط یک جنگ خانمانسوز جهانی یا منظوقی نباشد!

رها کردن نزدیک به 75 (لا اقل 50) درصد منابع طبیعی غالباً دست نخورده دنیا از شر مزاحمت چند میلیون «وحشی و تروریست علاج ناپذیر» یعنی قابل امحای فیزیکی؛ هدف کوچکی نیست؛ و در غیر آن نیز کمیته 300 برای چاره کردن نفوس زاید دنیا و از میان برداشتن توده های «مصرف کننده بی مصرف» تدابیر و محاسبات حد اقل پنجم ساله دارد!

ما نمونه کوچک این هلوکاست را اخیراً در کشور برمه و بر علیه یک میلیون مسلمان میانماری دیدیم که تحت شرایط سکوت و بی تفاوتی تقریباً مطلق میدیا، سیاسیون و دیپلمات های «جهان آزاد و متمدن!!» غرب و حتی منظومه رژیم های دست نشانده و دست نگر عربی و اسلامی نظام کاپیتالیستی صورت پذیرفت و هنوز جاری میباشد!

به این تصاویر نگاه کنید و به آینده خود و کودکان خویشتن اندکی اندیشه بفرمائید. عجالتاً فقط همین!

فدوی : محمد عالم افتخار

مؤرخ : 16.6.2012 برابر با یکشنبه 26 سنبله 1391



